

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

احوال دل

گر ز حال دل پرسی، حال دل پریشانست
بی تو خون دل خوردن، بار رنج و غم بردن
ای بت سهی قامت، رفته از کفم راحت
یار نازنین من، زهره مهجبین من
من غریب و حیرانم، عاشقت به قرآنم
تا قدت خرامان شد، فکر من پریشان شد
در بلای تنهائی، مانده ام نمی آئی
ترک خودپرستی کن، باده نوش و مستی کن
بی تو زندگی مشکل، عیش و نوش هم باطل
روز در تپیدن—ها، شامها به گریانست
گل نکرده پژمردن، روزگارم این سانست
نی توان و نی طاقت، شکوه ها فراوانست
غم بود قرین من، شمع بخت سوزانست
حال خود نمی دانم، زندگی چو زندانست
دیده اشک ریزان شد، گوئیا که طوفانست
زنده ام به رسوائی، مرگ بر من آسانست
جلوه های هستی کن تا زمین به دورانست
پای شوق هم در گل، نی گل و گلستانست

کاکلت پریشان کن، خانه عطرافشان کن

موج گل به دامان کن، تا «اسیر» مهمانست

(بن - المان، اپریل ۱۹۹۹ ع)